

سوره سَبَا (۳۴)

سال نزول

مطابق جدول سال نزول سوره‌ها در کتاب «سیر تحول قرآن»، به استثنای ۹ آیه مقدمه سوره که مربوط به سال ۴ هجری (در مدینه) می‌باشد، بقیه آیات سوره در سال ۱۱ بعثت در مکه نازل شده است. به این ترتیب مضامین سوره را در ارتباط با مسائل سیاسی و اعتقادی سال یازدهم بعثت که در آستانه هجرت و زمینه‌سازی برای آن می‌باشد بررسی می‌نمائیم. آنچه در این دوران بیشتر مطرح می‌باشد از یکطرف برخورد اعتقادی و توحیدی است و از طرف دیگر «صبر» و پایداری در برابر فشارها و تهدیدات مشرکین. اتفاقاً در سوره سبأ نیز هر دو موضوع مورد توجه قرار گرفته است. بجز مقدمه آن، ۳۵ آیه انتهائی سوره به مباحث اعتقادی در زمینه‌های توحید، قیامت و نبوت اختصاص دارد و مطالب میانی که در مورد حضرت داود و سلیمان (علیهما السلام) و قوم سبأ می‌باشد نتیجه «صبر و شکر» آن دو پیامبر و «کفران» نعمت قوم سبأ را بیان می‌کند.

محتوی و مضمون سوره

سوره «سبا» از مقدمه‌ای (در ۹ آیه) در مورد سه اصل اساسی توحید، آخرت و نبوت تشکیل شده است. این سه اصل برنامه و هدفی است که انسان در دوران حیات خود باید یکسره متوجه آن باشد و جهت زندگی خود را دائماً به آن سو تنظیم نماید. انسان را می‌توان به یک کشتی تشبیه کرد که در دریائی بیکران بسوی ساحلی ناپیدا در حرکت است، امواج شکننده دریا و طوفانهای مهیب آن دائماً کشتی را از چپ و راست منحرف نموده، از جهتی که انتخاب کرده و ساحلی که به سوی آن حرکت می‌کند منحرف و دور می‌سازد. اما اگر ناخدای کشتی بیدار و هشیار بوده مرتباً موضع و موقعیت خود را به مدد نقشه و قطب‌نما و انعطافی که در زاویه بادبان و سکان می‌دهد اصلاح نماید، با هر انحراف و خطائی که به دلیل عوامل موج و طوفان بر کشتی وارد می‌شود می‌تواند به محور انتخاب شده و مسیر نخستین بازگشت نماید و حرکت خود را در آن امتداد ادامه دهد. این تلاشی است که ناخدای کشتی در تمامی طول سفر باید بکار برد، چرا که لحظه‌ای غفلت او را از ساحل دورتر می‌سازد.

به این ترتیب «هدفداری» و «اصلاح مسیر» و «بازگشت به راه مستقیم» جدی‌ترین و خطیرترین وظیفه کشتی‌بان محسوب می‌شود. انسان نیز در حرکت بسوی خدا (الی‌المصیر) و در سفر آخرت یکسره باید مراقب هدف و مسیر حرکت باشد و با هر خطا و اشتباهی به راه مستقیم بازگشت نماید. در این سوره نشان می‌دهد کشتی وجود اکثریت انسانها در حرکت بسوی ساحل فوز و فلاح دائماً از چپ و راست به نیروی بادهای مخالف هوی و هوس و انگیزه‌های دنیاطلبی منحرف می‌شود. در برابر انحراف عمومی انسانها، در سوره سبا از دو پیامبر بزرگ نام می‌برد که مهم‌ترین خصلتشان هدفداری و اصلاح مسیر و رجوع دائمی به راه مستقیم بوده است. این خصلت را قرآن در دو کلمه «انابه»^۱ و «اواب»^۲ که

۱. انابه از ریشه «نوب» به معنای رجوع بعد از رجوع یعنی توبه بعد از توبه به درگاه الهی می‌باشد. به زنبور عسل نوب می‌گویند به دلیل آنکه یکسره به کندو در حال رفت و آمد و رجعت است. در قرآن ۱۸ بار این کلمه تکرار شده است، از جمله آیه ۱۵ سوره لقمان (واتبع سبیل من اناب)، صفت «منیب» همچون صفات مؤمن و متقی و... اسم مدحی است برای انسان پیوسته بازگشت کننده بخالق خویش.

۲. «اواب» صیغه مبالغه «آب» به معنای بسیار رجوع کننده می‌باشد، رجوعی به طاعت خدا با اراده و اختیار و آگاهی. این صفت خاص کسانی است که پیوسته با توبه و استغفار و دعا باترک معاصی به طاعت خدا بازگشت می‌کنند. فرق این کلمه با رجوع این است که اواب رجوع به منتهای غایت مقصد می‌باشد در حالیکه رجوع می‌تواند به فاصله معینی از راه (نه الزاماً به انتهای آن) باشد. مثل غاشیه ۱۵ (انّ الینا ایا بهم)

هر دو به معنای رجوع مستمر و توبه و بازگشت به سوی خدا می باشد در مورد این پدر و فرزند پیامبر بیان کرده است.

در مورد داود (ع) و اذکر عبدنا داود ذالایه انه اواب (آیه ۱۷ سوره ۳۸)

وظن داود انما فتنه فاستغفر ربه و خرّ راکعاً و اناب ۳۸/۱۷

در مورد سلیمان (ع) و وهبنا لداود سلیمان نعم العبد انه اواب (۳۸/۳۰)

ولقد فتننا سلیمان و القینا علی کرسیه جسداً ثم اناب (۳۸/۳۴)

داستان این دو پیامبر به دنبال مقدمه ۹ آیه ای سوره و ذیل جمله «ان فی ذلک لایة لكل عبد منیب» آمده است. گویا مهم ترین مصداق «عبد منیب» که مضمون آیه ۹ برای آنها «آیه» بوده است، داود و سلیمان (علی نبینا و علیهما السلام) می باشند که مشاهده آیات آسمان و زمین آنها را به هدف یابی دقیق تر و حرکت مستقیم تر بسوی خدا رهنمون شده است.

نکته شگفت در این است که به دلیل صفت «اواب» و «انابه» ای که داود نسبت به پروردگار خویش داشت. کوهها و پرندگان نیز چنین صفتی را نسبت به او (یا هماهنگ با او نسبت به پروردگار عالم) پیدا کرده بودند.

(سبأ ۱۰) ولقد اتینا داود منا فضلاً یا جبال اوبی معه والطیر...

(ص ۱۸) انا سخرنا الجبال معه یسبحن بالعشی والاشراق. والطیر محشوره کل له اواب.

خداوند چنین نیرو و امکاناتی را در اختیار این دو بنده خود گذاشته تا «شکر» آنها را آزمایش نماید. آیاتی که پس از مقدمه سوره می آید، تحقق این امر و موفقیت این دو بنده را در شکرگذاری نشان می دهد و بقیه سوره شرح «کفران» بندگان دیگری است که به شرک و ناخالصی در عبادت آلوده شدند.

در این سوره پس از شرح امکانات عجیبی که در اختیار سلیمان گذاشته شده می فرماید: «اعملوا آل داود شکراً و قلیل من عبادی الشکور» (آیه ۱۳) و به قوم سبأ که بخاطر لیاقت و کاردانی سلیمان و تسلط او بر پدیده های جوی دارای سرزمینی آباد و پر برکت و برخوردار از امنیت شده بودند می فرماید:

«کلوا من رزق ربکم واشکروا له بلدة طيبة و رب غفور» (آیه ۱۵)

اما این قوم «کفران» می کنند و نعمت های بیشمار را از دست می دهند.

ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الا الکفور.

نه تنها در این سوره، بلکه «نمل» نیز محور قرار داشتن موضوع «شکر» در داستان

سلیمان (ع) تأکید شده است.

آیه ۱۹ سوره نمل - ... و قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحاً ترضیه و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین.

آیه ۴۰ سوره نمل - .. قال هذا من فضل ربی لیبلونی ء اشکرام اکفرو من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم.

به این ترتیب معلوم می شود ذکر داستان سلیمان و قوم ناسپاس «سبا» در این سوره نشان دادن نتیجه شکر گذاری یا کفران در دو جهت مخالف می باشد. خداوند امکانات و حکومتی به سلیمان می دهد که هرگز به بشری نداده است با این حال این بنده «منیب» خدا خود را گم نمی کند و با هر غفلتی بزودی به پروردگار خویش رجعت می نماید.

اگر سلیمان سمبل «شکر» بود، «داود» سمبل «صبر» است و بی جهت نیست که در سوره سبا پس از نقل داستان این دو پیامبر و بی ظرفیتی و ناشکری قوم سبا، این دو خصلت را با یکدیگر جمع کرده می فرماید: «ان فی ذلک لایات لكل صبار شکور»^۱

در مورد «صبر» حضرت داود در این سوره (که سیاق آن نمایش شکر و ناشکری است) آیه ای نیامده است. اما از سایر سوره های قرآن برای نشان دادن این موضوع می توان مدد گرفت. از جمله:

(سوره ص آیه ۱۷) اصبر علی ما یقولون واذکر عبدنا داود ذا الاید انه اواب.

سوره بقره (آیات ۲۴۹ به بعد) .. قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين و لما برزوا لجالوت و جنوده قالوا ربنا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین فهزموهم باذن الله و قتل داود جالوت و ...

در آیه نخست (آیه ۱۷ سوره ص) با یادآوری سرگذشت حضرت داود به پیامبر اسلام فرمان «صبر» و پایداری در برابر مشکلات رسالت داده می شود و در آیه ۲۴۹ سوره بقره دوران قبل از نبوت داود را، که به عنوان سرباز ساده ای در سپاه طالوت علیه جالوت نبرد می کرد، نقل می نماید. این جوان برومند در شرایطی که اکثریت سپاه اعلام می کنند طاقت نبرد با سپاه نیرومند جالوت را ندارند، به دلیل ایمانی که به ملاقات خدا داشت همراه با دیگر مؤمنین اعلام می نماید: «چه بسا گروه اندکی که بر گروهی بسیار به اذن خدا غلبه می کنند و

۱. در شرح آیه ۳۱ سوره لقمان که عیناً آیه فوق تکرار شده است، گفتیم که این عبارت ۴ بار در قرآن آمده است: ۲ بار در عبرت گیری از حرکت کشتی با تمثیل صبر و شکر کشتی که همانا مقاومت آن در برابر امواج و بهره گیری اش از نیروی باد می باشد و ۲ بار دیگر در عبرت گیری از تجربه تاریخی اقوام (یکبار بنی اسرائیل، یکبار قوم سبا)

خدا همراه «صابرین» است». و پس از مصاف با سپاه جالوت اول چیزی که از خدا طلب می‌کند «صبر» و ثبات قدم است (ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا). و با همین پشتوانه است که به قلب سپاه جالوت می‌زنند و داود جالوت (سردار سپاه دشمن) را به قتل می‌رساند (و قتل داود جالوت ...)

پیروزی داود و هم‌زمان او در سپاه طالوت که همگی مستضعف و آواره از خانه و زن و فرزند بودند (مضمون آیه ۲۴۶ سوره بقره) بر سپاه ظالم و جبار جالوت، قانون الهی را برای سرمشق همه مستضعفان تاریخ تحقق و عینیت می‌بخشد که به نیروی «صبر» می‌توان بر بزرگترین مستکبران پیروز شد.^۱

ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون. (انبیاء ۱۰۵)

به این ترتیب روشن می‌گردد که چرا در سوره سبأ برای نشان دادن نمونه‌های عینی «صبر و شکر» از داود و سلیمان حدیث می‌آورد و این پدر و فرزند را به رخ مشرکین کم‌ظرفیت و ناسپاس تکذیب‌کننده پیامبر می‌کشانند.

اکنون از رابطه صبر و شکر با حرکت کشتی در دریا، که در دو سوره قرآن به آن تشبیه شده است (ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور) و از بازگشت دائمی به مسیر مستقیم در جهت ساحل که در مفهوم کلمات «اواب» و «منیب» به آن اشاره کردیم. (ان فی ذلک لآیه لکل عبد منیب)، می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که این دو پیامبر به نیروی صبر و شکر (مقاومت در برابر امواج مخالف هوای نفس و بهره‌برداری از باد مساعد امکانات و نعمت‌ها) کشتی وجود خود را همواره در جهت مستقیم نگهداشته با هر نیروی مخالفی اصلاح مسیر کرده و در امتداد تعیین شده نخستین قرار گرفتند (معنای منیب).^۲



همانطور که گفته شد، در مقابل کلمه «شکر» که کلید مفاهیم سوره است، و نقش شاکرانه‌ای که از حضرت سلیمان نشان داده می‌شود، کلمه «کفر» و ناشکری بیشتر بندگان را تصویر می‌نماید، بطوری که کلمه «کفروا» ۷ بار در مقاطع مختلف سوره تکرار شده است که با توجه به حجم مختصر سوره رقم بالائی می‌باشد.^۳ مصداق روشن این «کفران» برای

۱. سوره اعراف در بیان پیروزی قوم اسیر و برده و مستضعف بنی اسرائیل بر فرعون و نظام استکباری او همه جا از عامل «صبر» یاد می‌کند (آیات ۱۲۶ و ۱۲۸ و ۱۳۸ در سه مقطع مختلف نهضت توحیدی موسی، در آغاز حرکت، در رهنمود رهبری و در نتیجه‌گیری از داستان).

۲. سوره‌های لقمان آیه ۳۱ و شوری آیه ۳۳.

۳. در آیات ۳-۷-۱۷-۳۱-۳۳-۴۳-۵۳ (پس از سوره‌های شماره ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ از نظر تعداد قرار دارد).

عبرت گیری قوم معاصر پیامبر در سرنوشت قوم سبا، که برخوردار از نعمت های سرشار الهی بودند، نمایش داده می شود. اما اینکه چرا بندگان به جای شکر و سپاس نعمات الهی راه کفران و ناسپاسی پیشی می گیرند، باید به آیاتی از این سوره توجه نمود که بر مال و اولاد و جاذبه های فریبنده دنیا اشاره می نماید، رزق و روزی و گشایش و تنگی آن که به دست خدا و برای آزمودن بندگان است خود یکی از موجبات غفلت و سرگرمی یا ناامیدی و یأس می باشد. بی جهت نیست که در این سوره برای هشدار کسانی که فریب دنیا و اختلافات طبقات اجتماعی را می خورند دوبار تأکید می نماید که: ^۱ «قل ان ربی بیسط الرزق لمن یشاء و یقدر» (بگو همانا پروردگار من است که روزی را برای هر کس بخواهد گشاده یا تنگ می دارد).

در برابر این دنیاپرستی و مال دوستی که موجب اعراض انسان از خدا و خلق و مسئولیت در برابر بندگان گشته و به ظلم و تجاوز به حقوق دیگران کشیده می شود، در این سوره قویاً عامل «آخرت» را مطرح می نماید، بطوری که این مسئله به عناوین مختلف مثل: ساعة، معاد، یوم الجمع و... در آیات متعددی از این سوره تکرار شده است. تنها با اعتقاد به آخرت و ابدیت و باور داشتن حساب و کتاب و جزا و عقاب است که انسان می تواند از جاذبه های دنیا (در برابر ارزش های عظیم و جاوید آخرت) خود را آزاد نماید، یا آن که از بیم عقاب و نگرانی و قوف در محضر الهی و محکمه عدل او ممکن است از ظلم و تجاوز منصرف شود.

توجهی به گفتار کافران که منکر معاد و نبوت و قرآن شده اند نشان می دهد که همه این انحرافات از انکار ساعة (لحظه قیامت) آغاز می شود.

آیه ۳- وقال الذین کفروا لاتاتینا الساعة قل بلی و ربی لتاتینکم...

آیه ۷- «هل ندلکم علی رجل ینبئکم اذا مزقتم کل ممزق انکم لفی خلق جدید.

آیه ۳۱- «لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیه...

آیه ۴۳- «للاحق لما جاء هم ان هذا الا سحر مبین.

در این سوره از آنجائی که جنبه اعتقادی و به اصطلاح ایدئولوژیک دارد، بر نقل گفتار کافران و ارائه جواب و دلیل مناسب توجه زیادی شده است تا گرایش بحق از روی آگاهی و اختیار و انتخاب آزادانه بندگان و با علم و بصیرت آنها انجام گردد. مجموعاً ۳۶ بار در این

سوره مشتقات کلمه «قال» تکرار شده که تنها ۸ مورد آن فرمان «قل» برای ارائه منطق درست به پیامبر داده شده است.^۱

در همین رابطه مسئله تقلید و پیروی کورکورانه از آباء و اجداد و سنت‌های گذشته مورد مذمت قرار گرفته و در آیات ۳۱ تا ۳۳ و ۴۳ تا ۴۶ تبعیت از سران گمراه جامعه و نیز فریب و اغفال توده مردم محکوم گشته است.

آخرین نکته اینکه سوره با حمد خدا شروع می‌شود (الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض و له الحمد فی الاخرة و هو الحکیم الخبیر) و با شک کافران خاتمه می‌یابد (انهم کانوا فی شک مریب). از یک طرف مالکیت خدا را در آسمانها و زمین نشان می‌دهد و او را در دنیا و آخرت حمد می‌کند، از طرف دیگر شک و ناباوری کافران را نسبت به این حقیقت بدیهی نشان می‌دهد.

جالب است که بدانیم بجز سوره «سیا» ۴ سوره دیگر نیز با حمد آغاز می‌شوند:

- ۱- سوره فاتحه‌الکتاب: الحمد لله رب العالمین
- ۲- سوره انعام: الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا بر بهم يعدلون.
- ۳- سوره کهف: الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب و لم يجعل له عوجاً.
- ۴- سوره سیا: الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض و له الحمد فی الاخرة و هو الحکیم الخبیر)
- ۵- سوره فاطر: الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکه رسلاً...

تقسیمات سوره

برای فهم ساده‌تر سوره بر حسب سیاق و سال نزول قسمت‌های مختلف، آن را به سه بخش به ترتیب ذیل تقسیم می‌نمائیم:

۱- مقدمه (آیات ۱ ← ۹)

این قسمت بر طبق محاسبات انجام شده در کتاب «سیر تحول قرآن»، در چهارمین سال هجرت و ۶ سال بعد از قسمت‌های دیگر سوره نازل شده است. در همین مقدمه مختصر به اجمال و اختصار پیرامون سه اصل توحید، آخرت و کتاب

۱. این رقم پس از سوره‌های اعراف (۴۵ بار)، یونس (۲۴ بار)، آل عمران (۲۳ بار)، اسراء (۲۱ بار) و زمر (۱۵ بار) قرار دارد

(نبوت) سخن گفته و چارچوب‌های اصلی را مشخص کرده است.

دو آیه نخست به «توحید» اختصاص دارد، در اولین آیه انحصار ملک را برای خداوند یکتا و مملوکیت همه موجودات عالم نسبت به او که حکیم و خبیر است بیان می‌نماید و در دومین آیه علم او را از همه جهات بر مخلوقاتش نشان می‌دهد. این دو برهان که یکی بر کمال ملک و تصرف او و دیگری بر کمال علم او نسبت به مخلوقاتش می‌باشد، هم توحید را اثبات می‌کند و هم زمینه و مقدمه‌ای برای لزوم قیامت و جزا (بحث بعدی) می‌گردد.

اما اینکه چرا از علم مطلق خدا نسبت به همه چیز، تنها آگاهی او را به آنچه در زمین فرو می‌رود و از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه به سوی آن بالا می‌رود (بخارات)، مثال می‌زند، به نظر می‌رسد به دلیل شگفت بودن و پنهان بودن این فعل و انفعالات از دید بشر باشد. در ضمن این پدیده که بصورت جریانی دائره‌وار و بسته در زمین و آسمان انجام می‌شود (نفوذ آب در زمین و خروج سبزه مربوط به زمین و نزول آب و صعود بخار مربوط به آسمان است) حیات و حرکت را در انواع و اشکال متعدد خود بوجود می‌آورد. بنابراین با مثال فوق علم خدا نسبت به هر گونه حیات و حرکتی آشکار می‌گردد.

علاوه بر آیه فوق، در آیه ۴ سوره حدید (۵۷) نیز علم خدا را بر جریان فوق دلیلی از اعمال مدیریت او (استوای بر عرش) بر جهان آفرینش و علم و اطلاعش بر اعمال انسان می‌شمارد.^۱ (...ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض و ما یتخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یرفع فیها و هو معکم این ما کنتم والله بما تعلمون بصیر).

نکته دیگر اینکه در انتهای آیه دوم بر دو صفت «وهو الرحیم الغفور» تاکید کرده است. ترکیب این دو صفت ۷۴ بار در قرآن تکرار شده که بجز مورد فوق در ۷۳ مورد دیگر صفت غفور مقدم بر رحیم آمده است (الغفور الرحیم). قطعاً این اختلاف و تغییر

۱. کلمه ایلاج (یلج فی الارض) که به معنای نفوذ آرام و تدریجی چیزی در چیز دیگر است (مثل حرکت نخ در سوراخ سوزن: حتی یلج الجمل فی سم الخیاط) یا نفوذ مخفیانه بیگانه (ولم یتخذوا من دون الله رسوله ولا المؤمنین ولیجة) تنها در مورد نفوذ آب در زمین بکار نرفته است، بلکه نفوذ شب در روز یا روز در شب را در آیات ۳ آل عمران، ۶۱ حج، ۲۹ لقمان، ۱۳ فاطر و ۶ حدید مورد نظر قرار داده است و از این آیات چنین نتیجه‌گیری کرده است که: ترزق من تشاء بغیر حساب، و ان الله سمیع بصیر، و ان الله بما تعملون خبیر، له الملك، و الله بما تعلمون بصیر. بنابراین روزی‌رسانی (رزق)، سمیع، بصیر و خبیر بودن خدا و ملک او از این جریان دائمی باید استنباط گردد.

حکمتی دارد که باید آن را بررسی کرد. اگر بظاهر امر قناعت کنیم این تغییر را شاید بتوانیم به حساب هماهنگ کردن با قافیه انتهائی آیه اول که حرف «ر» بعد از «م» قرار گرفته (و هو الحکیم الخبیر) بگذاریم. این دو آیه بخش توحیدی مقدمه را تشکیل می دهند. در ضمن باید توجه داشتیم که ۱۲ آیه این سوره با حرف «ر» ختم می شوند که دلیلی خاص خود را دارد.

پس از آیه اول و دوم که در صدد اثبات توحید و زمینه سازی برای آخرت بود، در آیات ۳ و ۴ و ۵ به مسئله آخرت که نتیجه توحید است می پردازد. وقتی خداوند مالک همه چیز است و در مخلوقات خود تصرف و بر آنها علم کامل دارد، حکمتش اقتضا می کند که آفرینش باطل و عبث نباشد و حساب و کتاب جزا و عقابی بدنبال داشته باشد تا هر کس به تناسب ظرفیت و تلاشش رشد و کمال یابد. چرا که او هم حکیم الخبیر است و هم «الرحیم الغفور».

اما کسانی که کافر شدند «ساعت» را انکار می کنند (آیه ۳)، جوابی که به انکار کافران داده می شود تماماً مبتنی بر علم خداوند بر نهائی های آسمانها و زمین است (در ارتباط با آیه ۲). علت حدوث ساعت قیامت را در آیه (۴) بیان می کند، این امر تنها بخاطر جزا دادن به کسانی است که ایمان آورده و عمل شایسته می کنند، جزای مغفرت و رزقی گرامی، هدف از قیامت فقط همین است. اما اینکه کسانی هم بخاطر ضدیت با راه حق دچار عذاب می شوند، این نتیجه اعمال خودشان است و گرنه هدف از قیامت عذاب نیست. کما آنکه هدف از تأسیس مدرسه و دانشگاه رشد و تربیت و آموزش است، گرچه عده ای هم مردود و اخراج می شوند.

۴ آیه انتهائی مقدمه به مسئله نبوت و کتاب اختصاص دارد. کافران چون از نظر اعتقادی از توحید دور گشته و به شرک آلوده شده اند، آخرت، یعنی حساب و کتاب و مسئولیت و علم خدا را بر اعمال بندگان منکر می شوند، نتیجه طبیعی چنین بینشی انکار نبوت و کتاب می باشد و همه این انحرافات از اینجا ناشی می شود که کافران جاهلند و «علم» و اطلاعی از حقایق و امور عالم ندارند و گرنه کسانی که علم داده شده اند، نه تنها می فهمند بلکه به چشم بصیرت می بینند که آنچه از پروردگار به سوی پیامبر (ص) نازل شده حق است و مردم را به راه خداوند عزیز حمید هدایت می کند، راهی که به «عزت» و ستودگی (حمد) خودشان منتهی خواهد شد (مضمون آیه ۶). اما کافران مسئله معاد و خلقت تازه در آخرت را انکار می کنند و رسول اکرم را با کلمات سبکی بخاطر بیان این حقیقت بسخریه و استهزاء می گیرند و او را متهم به افترا و

کذب و دیوانگی می نمایند (آیات ۷ و ۸).

آخرین آیه این مقدمه هشدار تنبیهی و اندازی توبیخی به کسانی است که فراموش می کنند در نظامی که زمین و آسمان را فرا گرفته محبوس و محصوراند و گریزگاهی از ملک خدا ندارند که به آن پناهنده شوند، آیا احتمال نمی دهند که بخاطر نتایج اعمالشان زمین آنها را در خود فرو برده یا آسمان بر سرشان فرود آید؟!...

در این حقیقت، که انسان در ملک خدا (نه ملک خود) که مشیت پروردگار عالم بر آن جاری است، زندگی می کند و در صورت عصیان و تمرد از قوانین حاکم بر این ملک، به دلیل علم و اطلاع دقیق صاحب ملک بر اعمال مملوکین، محکوم و عذاب می شود، بس نشانه هاست برای هر بنده ای (عبد خدا نه عبد دیگران) که بازگشت کننده (نه متمرّد و عاصی) به درگاه مالک خود و تمکین کننده نسبت به خواست او باشد.

«ان فی ذلک لایة لکل عبد منیب»

انسان معصوم از خطا و اشتباه نیست، بلکه هر لحظه در معرض لغزش و گناه است، مهم بازگشت مجدد و دائمی به سوی خدا است^۱ اینست معنای عبودیت و «انابه»!

۲- داود و سلیمان و قوم سبا (آیات ۱۰ تا ۲۱)

پس از آخرین آیه و پیام مقدمه سوره (ان فی ذلک لایة لکل عبد منیب)، اینک مصداق و نمونه ای از بندگان منیب باید معرفی گردند. همانطور که صفحات قبل توضیح داده شد، داود و سلیمان مصادیقی از این صفت بشمار می روند.^۲ آیات این بخش نمونه هائی از فضل و برتری این دو بنده خدا را، که مشمول نعمت های خاص او گردیدند، بیان می دارد، داود و سلیمان مفهوم «صبر و شکر» را در زندگی خود تحقق بخشیدند و دستاورد و حاصل ایمانشان سرزمین آباد و پر برکت و پاکیزه و با امنیت «سبا» را بوجود آورد.^۳ اما قوم سبا از حق اعراض کردند و بجای شکر (واشکروا له)

۱. وقتی راه فراری برای گریز از ملک خدا نیست، پس از شرک و عصیان به کجا می توان جز به صاحب ملک پناهنده شد. فقروا الی الله انی لکم منه نذیر مبین (پس به سوی خدا فرار کنید که من از آن شما را هشدار دهنده آشکاری هستم). ذاریات (۵۱) آیه ۵۰

۲. در سوره «ص» موازدی از اشتباه و خطا و انابه و بازگشت فوری این دو بنده منیب را نقل کرده است.

۳. لقد کان لسبانی مسکنهم آیه جنتان عن یمین و شمال (آبادانی)، کلوا من رزق ربکم (برکت و فراوانی) واشکروا له بلدة طيبة (پاکیزگی) و رب غفور.. سیر و فیها لیالی و ایاماً امنین. (امنیت و آرامش).

کفران نعمت کردند (ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الالکفور) و در نتیجه ظلم به خویشتن، به جای آبادی و برکت گرفتار خرابی و محرومیت گشتند و آن چنان پریشان و پراکنده شدند که تنها داستانشان برای نقل آیندگان و حدیث داستانسرایان به عنوان مثالی باقی ماند.

اگر زندگی داود و سلیمان نمایشگر مثبت تحقق صبر و شکر است، سرنوشت قوم سبا از جهت منفی فقدان این دو خصلت را به نمایش می گذارد. که فرمود:

(ان فی ذلک لایات لکل صبار شکور).

خداوند در این سوره انسانها را به شکر نعمت یعنی توجه به منعم و بکار بستن نعمت ها در راهی که معین کرده دعوت می کند، اما ابلیس به راه اعراض و کفران نعمت می کشاند. مصداق عینی و تحقق دعوت خداوند در عملکرد حضرت سلیمان تجلی می کند و مصداق دعوت ابلیس در سرنوشت قوم سبا (ولقد صدق علیهم ابلیس ظنه فاتبعوه...) و در خاتمه این بخش برای آن که کسی برای ابلیس استقلال ذاتی و قدرتی مستقل از خدا قائل نشود، و همچون گروهی از مشرکین تدبیر عالم را به دو اقوم خیر و شر نسبت ندهد، اضافه می نماید که ابلیس را بر کسی تسلط نبخشیده بلکه آزاد گذاردن او برای فریب و اغفال بندگان تنها برای همین است که معلوم گردد چه کسانی واقعاً به آخرت ایمان دارند و چه کسانی نسبت به آن در شک هستند و گرنه پرودگار بر همه چیز نگهبان است (ابلیس تسلط و حفاظتی بر هیچ چیز ندارد). (آیه ۲۱)

موضوع ایمان به آخرت، همانطور که گفته شد، از محورهای اصلی سوره می باشد که نتیجه و حاصل ایمان به «توحید» محسوب می گردد، همچنین «شک» در آخرت (من هو منها فی شک) که در آخرین آیه سوره به آن اشاره شده (انهم کانوا فی شک مریب)، نقطه مقابل ایمان به آخرت را در عملکرد کافران نشان می دهد.

۳- عملکرد مشرکان (آیات ۲۲ تا ۵۴)

این قسمت که بیش از ۶۰٪ سوره را تشکیل می دهد، عمدتاً شکل احتجاج و لحن جدل و جوابگوئی به معتقدات و دعاوی مشرکین دارد و در قالب فرمان «قل» به رسول اکرم که ۱۴ بار در این قسمت (۱۵ بار در کل سوره) تکرار شده نظریات منحرفانه آنها را در باره توحید و قیامت بطور استدلالی رد می کند و حقیقت یکتائی خدا را تبیین می نماید. ذیلاً خلاصه و پیام اصلی هر آیه را (آنطور که به نظر محدود

نویسنده می‌رسد) به ترتیب بیان می‌نماید. مطالب این بخش را می‌توان در ۷ گروه فرعی ذیل بررسی کرد:

| | | |
|--|---|--|
| <p>آیه (۲۲) نفی مالکیت و علم و ولایت از غیر خدا</p> <p>آیه اول له ما فی السموات و ما فی الارض آیه (۲۲) لا یملکون</p> <p>آیه (۳) عالم الغیب لا یعزب عنه مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض. آیه (۲۲) لا یملکون مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض</p> <p>آیه (۲) .. و هو الرحیم الغفور آیه (۲۲) و ما له منهم من ظهیر.</p> | } | <p>۱. در نفی پایه‌های فلسفه شرک و اثبات مبانی توحید</p> |
| <p>آیه (۲۳) نفی شفاعت (مگر باذن خدا)</p> <p>آیه (۲۴) نفی روزی رسانی غیر خدا</p> <p>آیه (۲۵) اثبات مسئولیت انسان و بازخواست از عملکرد دنیائی.</p> <p>آیه (۲۶) لزوم گردآوری انسان در محکمه آخرت و قضاوت عادلانه خداوند فتاح و علیم بر اختلافات آدمیان در یوم الجمع.</p> <p>آیه (۲۷) نفی تدبیر فوق (گردآوری انسان در محکمه آخرت) از غیر خدا و اثبات عزت و حکمت خدا بر انجام اینکار.</p> <p>آیه (۲۸) نفی تدبیر ارسال رسل برای غیر خدا [پیامبر اسلام برای بشارت و انداز تمامی انسانها (نه بخشی از آنها) فرستاده شده است].^۱</p> <p>اگر کلمه «کافه» (کافه للناس) را به معنای مانع و بازدارنده، که اصل لغت آن چنین مفهومی دارد، بگیریم، ترجمه آیه به گونه دیگری می‌شود که رسالت پیامبر را برای ممانعت مردم از انحراف از طریق بشارت و انداز بیان می‌نماید.</p> | } | <p>۲. اختلاف در آیه (۲۹) سؤال انکاری از وعده آخرت.</p> <p>آیه (۳۰) اثبات قطعیت این میعاد.</p> <p>آیه (۳۱) انکار قرآن و کتب پیشین و پشیمانی ظالمین از این انکار در محکمه آخرت.</p> <p>آیه (۳۲)، (۳۳) محاجه مستکبران و مستضعفان در آخرت و دیگری را متهم ساختن.</p> |

۱. به گفته علامه طباطبائی در المیزان، این آیه بیش از آنکه در صدد اثبات نبوت باشد توحید را نشان می‌دهد. چرا که اگر به جز خدا خدایان مؤثر دیگری بودند، ضرورت داشت که آنها نیز رسولانی برای ابلاغ فرامین خود ارسال نمایند.

- آیه (۳۴) همواره کسانی که منکر رسالت و پیام هشدار دهنده رسولان الهی می شدند «مترفین» یعنی قشر مرفه و برخوردار جامعه بوده اند.
- آیه (۳۵) تکیه کافران بر اموال و اولاد موجب انکار و احساس امنیت از عذاب می شد.
- آیه (۳۶) تأکید بر اینکه بسط و قدر روزی طبق مشیت الهی است ولیکن اکثر مردم به این امر واقف نیستند.
- آیه (۳۷) تأکید بر اینکه اموال و اولاد مگر برای کسی که اهل ایمان و عمل صالح باشد وسیله تقرب به خدا نمی شود.
- آیه (۳۸) تأکید بر اینکه کسانی که خدا را در آیاتش می خواهند به عجز در آورند در عذاب احضار خواهند شد.
- آیه (۳۹) (تکرار آیه ۳۵) و تأکید بر اینکه خداوند خیرالرازقین هر انفاقی را جایگزین می کند (انفاق از دست دادن نیست).

دنیای پرستی و رفاه طلبی

۶ آیه فوق که یک مجموعه را تشکیل می دهد، کلاً روحیه دنیاپرستی و رفاه طلبی کافران را که گشایش روزی خود و تنگی روزی دیگران را به حساب لیاقت و کاردانی خویش و بی لیاقتی زیردستان می گذارند شرح می دهد، این بینش از جهل نسبت به مشیت پروردگار در بسط و قدر رزق حاصل می شود.

- آیه (۴۰) پرسش از فرشتگان در روز حشر در مورد عبادت مشرکین مرایشان را (نفی عبادت غیر خدا).
- آیه (۴۱) تسبیح ملائک و اعلام اینکه مشرکین نه فرشتگان، که جن را عبادت می کردند.
- آیه (۴۲) در روز حشر هیچکس مالک نفع و ضرری بر دیگری نیست، فقط سخن خدا حاکم است که ظالمان بخاطر تکذیبشان باید عذاب آتش را بچشند.
- مشرکین ملائکه را عبادت می کردند تا وسیله تقرب آنها به درگاه خدا و شفاعتشان گردند.^۱ در این سه آیه چنین اعتقادی را که پایه ای نداشته و موجب عبادت غیر حق می شده محکوم نموده و مؤثر بودن همه عوامل جز خداوند یکتا را در آخرت نفی کرده است.

نفی عبادت فرشتگان

۱. به آیات ابتدای سوره زمر مراجعه شود.

- نقش سران گمراه جامعه و تبلیغات آنها در فریب مردم و بازداشتنشان از راه حق، تکیه بر سنت‌های گذشته و تکذیب هر سخن تازه.
- بی سوادى سران گمراه و بی خبری آنها از حقایق الهی.
- مشابهت تکذیب اقوام مختلف تاریخ و گرفتاری آنها به عاقبت تکذیب خود.
- دستور کناره گرفتن از غوغای تبلیغات منکرین و تأثیرات اجتماعی آنها، سپس به تنهایی یا دونفری اندیشیدن در صداقت پیام آور و عاقبت تکذیب پیام.
- تاکید بر اجر نخواستن رسولان و بی نیازی آنها از مردم، بلکه اجر خود را از خداوندی که شاهد بر اعمال آنهاست می طلبند.^۱
- تاکید بر تضاد حق و باطل و وابسته بودن این درگیری به خداوند علام الغیوب برای تجلی حق.^۲
- تاکید بر این که اصالت با حق (قرآن) است. همین که حق بیاید باطل نه آغاز می کند و نه برمی گردد. (نه حرف تازه‌ای دارد و نه حرف گذشته‌اش تکرار می گردد.)
- تاکید بر اصالت و استقلال وحی و قرآن از پیامبر، تا دشمنی با پیامبر منکرین را را به انکار وحی و قرآن نکشاند.
- در میان حالت کافران در صحنه قیامت هنگامی که راه گریزی ندارند و از نزدیک گرفتار عواقب کار خود می شوند.
- ادعای ایمان در شرایطی که دیگر امکان ندارد.
- نقل عملکرد کافران در دنیا در انکار معاد و اظهار نظرهای نسنجیده
- فراگیری یأس و ناامیدی به دلیل فاصله افتادن بین کافران و آرزوهایشان.

۵

نقد رویه تکذیب

۶

حق و باطل

۷

در صحنه قیامت

۱. شاید این آیه اشاره‌ای به آیه ۲۳ سوره شوری (۴۲) باشد که در آن «مودة فی القربی» را استثنا کرده بود (قل ما استلکم علیه اجر الا المودة فی القربی).

۲. آیه ۱۸ سوره انبیاء می تواند برای تفسیر فوق مورد استفاده قرار گیرد (بل نقدف بالحق علی الباطل فید مغه فاذا هوزاهق).

نام‌های نیکوی الهی

در این سوره ۸ بار نام جلاله «الله» و ۱۳ بار رب مضاف (ربهم، ربنا...) به کار رفته است. به جز این موارد اسماء فعل خداوند نیز بشرح ذیل در آیات این سوره آمده است:

حکیم، غفور، عزیز (هر کدام دوبار).
 خبیر، رحیم، حمید، بصیر، حفیظ، علی، کبیر، فتاح، علیم، شهید، سمیع، قریب،
 (هر کدام یکبار).
 البته موارد دیگری مثل: عالم الغیب، علام الغیوب و خیرالرازقین هم آمده که بنظر نمی‌رسد جزء اسماء فعل محسوب شوند.^۱

آهنگ خاتمه آیات

از ۵۴ آیه سوره سبأ، ۲۳ آیه آن با حرف «ن»، که عملکرد و افعال انسان را نشان می‌دهد، ختم می‌شود و بقیه با ۶ حرف دیگر به ترتیب ذیل:

| حرف «ر» | حرف «د» | حرف «ب» | حرف «م» | حرف «ل» |
|------------------|-------------------|--------------|--------------|--------------|
| آیه ۱- خبیر | آیه ۶- حمید | آیه ۹- منیب | آیه ۴- کریم | آیه ۱۶- قلیل |
| آیه ۲- غفور | آیه ۷- جدید | آیه ۴۸- غیوب | آیه ۲۶- علیم | |
| آیه ۱۱- بصیر | آیه ۸- بعید | آیه ۵۰- قریب | آیه ۲۷- حکیم | |
| آیه ۱۲- سعیر | آیه ۱۰- جدید | آیه ۵۱- قریب | | حرف «ظ» |
| آیه ۱۳ و ۱۹ شکور | آیه ۴۶- شدید | آیه ۵۴- مریب | | آیه ۲۱- حفیظ |
| آیه ۱۵- غفور | آیه ۴۷- شهید | | | |
| آیه ۱۷- کفور | آیه ۴۹- یعید | | | |
| آیه ۲۲- ظهیر | آیه ۵۲ و ۵۳- بعید | | | |

۱. عالم الغیب و علام الغیوب را می‌توان مشمول همان صفت «علیم»، که نام برده شده، دانست، در مورد خیرالرازقین بنظر می‌رسد صفت «رزاق» را باید جزء اسماء الحسنی حساب کرد.

ارتباط سوره‌های سبا و فاطر (۳۴ و ۳۵)

هر دو سوره با حمد خداوند آغاز می‌شود، در سوره سبا خدا را به دلیل انحصار مالکیتش نسبت به آسمانها و زمین، که از روی حکمت و آگاهی کامل (نه هوس و ندانم کاری بعضی صاحبان املاک) اداره می‌شود، می‌ستاید و سرانجام این ملک را با خیر و برکت و رو به رشد و کمال دانسته مالکش را در آخرت حمد می‌گوید. در سوره فاطر خداوند را بخاطر پدید آوردن آسمانها و زمین و قرار دادن کارگزاران شایسته و دارای توانائی‌های مختلف (ملائکه دارای بالها=قوای مختلف) که دلالت بر قدرت او (توانائی قدر و اندازه گذاری و نظم دهندگی به هر چیز) می‌کند حمد می‌نماید:

سوره سبا: الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض وله الحمد فی الاخرة و هو الحکیم الخبیر.

سوره فاطر: الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائكة رسلاً اولی اجنحة مثنی و ثلث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شی قدیر.

مثل این می‌ماند که صاحب باغ و مزرعه‌ای را یکبار به خاطر وسعت و عظمت ملکش که تماماً به لیاقت و کاردانی و اصول پیشرفته کشاورزی اداره می‌شود و جزئیات امور تحت کنترل و رسیدگی دائمی قرار داشته هر درختی از مراقبت کامل برای ثمر دادن برخوردار است بستائیم. و بار دیگر او را به دلیل هنر و ابتکار احداث این باغ و عوامل اجرایی و باغبان‌هایی که با تخصص‌های مختلف برای هر گیاه استخدام کرده و قدر و اندازه و نظم و ترتیبی که برای کیفیت رسیدگی به درختان از نظر آبیاری، کود، سمپاشی و غیره قرار داده مورد ستایش قرار دهیم. این دو سوره نیز درباره باغ و مزرعه هستی است و هر کدام از زاویه‌ای متناسب با مثال فوق به ستایش این «باغبان» پرداخته است.

دومین آیه از هر دو سوره نیز با یکدیگر هماهنگی دارند و از جریان اداره این ملک و علم و اطلاع و دلسوزی باغبان نسبت به آنچه احداث کرده و «ارسال» دائمی نیازهای متنوع هر قسمتی از باغ و هر بخشی از گیاهان سخن می‌گوید. در سوره سبا که مالکیت خدا مطرح است، علم او را نسبت به آب بارانی که به تدریج و آهستگی در زمین فرو می‌رود و در سفره‌های سطحی زمین قرار می‌گیرد (اگر به سرعت می‌رفت خاک و مواد آلی زمین را شسته با خود به اعماق می‌برد) و آبی که از طریق چشمه‌ساران (و چاهها و قنوات و غیره) ظاهر می‌گردد، همچنین بارانی که (روی اندازه) از آسمان نازل می‌گردد و بخاراتی که به دلیل حرارت خورشید به آسمان صعود می‌کند و ابرها را تشکیل می‌دهد، بیان می‌نماید و همه

این تدابیر حکیمانه را که برای استفاده انسان و سایر موجودات دقیقاً برقرار شده، نشانه رحیم و غفور بودن خدا می‌شمارد. (یعلم ما یلج فی الارض و ما یرج منها و ما ینزل من السماء و ما یرج فیها و هو الرحیم الغفور).

و در سوره فاطر (آیه دوم) که «اداره» ملک هستی (توسط ملائک - کارگزاران) مطرح است، مسئله «ارسال» نیازمندیها (تکوینی و تشریحی) یعنی رزق مادی و هدایتی پدیده‌ها به صورت مستمر و دائمی از مخزن رحمت الهی را مورد تأکید قرار می‌دهد تا آشکار گردد اگر «باغبان» این باغ تنها یک روز جریان آب حیات بخش را «امساک» نماید، همه گیاهان از تشنگی خواهند مرد.

ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل من بعده و هو العزیز الحکیم - یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء و الارض لاله الا هو فانی تؤفکون.

«ارسال» این نیازمندی‌ها مستلزم دو توانائی است: ۱- عزت و تسلط، ۲- درست و به موقع و به اندازه و به جا عمل کردن. و به همین دلیل او را به صفت «عزیز الحکیم» ستوده است.

پس از مقدمات فوق (در هر دو سوره)، که در باره «باغبان» بود، به درختان باغ که به دلیل برخورداری دائمی و سبز و خرمی بهار و غرور قد و قامت و زیبایی ظاهری منکر وجود باغبان و مراقبت‌های دائمی او، بخصوص وظیفه‌ای که برای میوه و محصول دادن دارند، و محدود بودن عمر و در پیش بودن زمستان و احیای مجدد در بهار آینده و... شده‌اند، می‌پردازد.

در سوره سبأ نشان می‌دهد چگونه کافران (کسانی که باغبان را ندیده گرفته‌اند) منکر ساعت (قیامت) برای رسیدگی به حساب اعمال می‌شوند. در حالی که خداوند به جزئیات آشکار و پنهان آنها واقف است و نیکوکاران و بدکاران را به جزای اعمالشان خواهد رسانید و البته کسانی که علم داشته باشند حقانیت این راه را به سوی عزت و ستودگی خواهند دید و کافران جز تکذیب و تمسخر پیامبری که زنده شدن مجدد را به آنها هشدار می‌دهد و مجنون و دروغگو شمردن او عکس‌العملی نخواهند داشت، آنها به دلیل انکار آخرت، احساس امنیت کامل کرده بیمی از اعمال خود ندارند.

در سوره فاطر (پس از مقدمه فوق در آیات ۴ تا ۱۰) ابتدا تکذیب «رسالت» را از ناحیه کافران بیان می‌نماید (چون محور سوره نقش ملائک و ارسال کارگذاران است) آنگاه بازگشت به سوی خدا و حقانیت وعده او را تأکید می‌کند و بندگان را به فریب دنیا و غافل

شدن از خدا و دشمنی شیطان و عذابی که پیروی از او به دنبال خواهد داشت، هشدار می دهد. و سرانجام «ارسال» باها را برای برانگیختن ابرها و گسیل ابرها را به سوی سرزمین های خشک و احیای آن نمونه و مثالی برای احیاء مجدد انسان ها معرفی می نماید.

آنچه گفته شد مقایسه ای بود میان آیات مقدمه هر دو سوره، که محور مشترکی را نشان می داد. اما جزئیات و وجوه دیگری نیز وجود دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم. وجه مشترک اصلی میان این دو سوره را همچون سوره «یس» (سومین سوره این مجموعه) از رابطه ای که میان کلمات: رسالت، انذار، تکذیب، خشیت، وعده الهی در آیات آنها وجود دارد، مورد بررسی قرار داده ایم، خداوند برای مردمی که قبلاً پدرانشان بیم داده نشده بودند «رسولی» برای «انذار» آنان می فرستد ولی جز کسانی که از خدا «خشیت» داشتند بقیه او را «تکذیب» نمودند و «وعده الهی» را برای جزای اعمال در روز قیامت و بهشت و جهنم تکذیب کردند. کلمات فوق را که عیناً در هر دو سوره آمده است، زیر هم می نویسیم تا مقایسه و تشخیص ارتباط و هماهنگی آشکار گردد.

الف- رسالت

| | | |
|--|---|-----------|
| آیه (۲۸) - وما ارسلناک الا کافة للناس بشیراً و نذیراً ولكن اکثر الناس لا یعلمون. آیه (۳۴) - وما ارسلناک فی قرية من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون. آیه (۴۴) - وما اتیناهم من کتب یدرسونها و ما ارسلنا الیهم قبلک من نذیر. آیه (۴۵) - و کذب الذین من قبلهم... فکذبوا رسلی فکیف کان نکیر. | } | سوره یس |
| آیه (۱) الحمد لله الذی فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلاً... آیه (۲) ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل من بعده آیه (۴) وان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک والی الله ترجع الامور. آیه (۹) والله الذی ارسل الریاح فتثیر سحاباً... کذلک النشور. آیه (۲۴) انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و ان من امة الا خلافیها نذیر. آیه (۲۵) و ان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینات و بالزبر و بالکتاب المنیر. | } | سوره فاطر |

همانطور که ملاحظه می شود، در هر دو سوره بر رسالت جهانی پیامبر برای بشارت و انذار انسانها تاکید می کند و در هر دو به جریان تاریخی تکذیب رسولان اشاره می نماید. در سوره فاطر مسئله رسالت را از ابعاد گسترده تری مورد توجه قرار داده هر نوع رحمتی را (تکوینی و تشریحی) رزق مادی و معنوی بشر و «ارسال» شدنی شمرده است. (از جمله ارسال باد برای انگیزش ابر و تشکیل باران.)

ب - نذیر (هشدار دهنده)

کلمه «نذیر» در سوره فاطر ۶ بار و در سوره سبأ ۴ بار به کار رفته است که از نظر آماری به ترتیب اولین و دومین مرتبه را در میان سوره‌های قرآن دارد، بنابراین چنین تمرکز و تاکید روی این کلمه اهمیت کلیدی آن را در رابطه با اهداف سوره نشان می‌دهد.

آیه (۲۸) و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون.
 آیه (۳۴) و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون.
 آیه (۴۴) و ما اتیناهم من کتب یدرسونها و ما ارسلنا الیهم قبلک من نذیر.
 آیه (۴۶) قل انما اعظکم بواحدة.. ان هو الا نذیر بین یدی عذاب شدید.

سوره سبأ

آیه (۲۳) ان انت الا نذیر.

آیه (۲۴) انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و ان من امة الا خلافها نذیراً.

آیه (۱۸) فلا تزر وازرة و زراخری... انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب.

آیه (۳۷) ..اولم نمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاء کم النذیر

آیه (۴۲) و اقسموا بالله جهد ایمانهم لئن جاءهم نذیر لیکونن اهدی من احدی الایم

فلما جاءهم نذیر مازادوهم الا نفورا.

در هر دو سوره هم به نقش «انذار» پیامبر نسبت به قوم خود اشاره می‌کند و هم به نقش فراتر هشدار دهنده او برای بشریت، در ضمن انکار و ندیده گرفتن چنین هشدار را نیز نشان می‌دهد.

سوره فاطر

ج - تکذیب

آیه (۳) و قال الذین کفروا لاتاتینا الساعة...

آیه (۷) و قال الذین کفروا هل ندلکم علی رجل ینبئکم اذا مزقتم کل ممزق انکم لفی

خلق جدید

آیه (۲۹) و یقولون متى هذا الوعدان کنتم صادقین.

آیه (۳۱) و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیہ ...

آیه (۴۳) و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قالوا ما هذا الا رجل یریدان یردکم عما یعبد

آبائکم...

آیه (۴۵) و کذب الذین من قبلهم و ما بلغوا معشار ما اتیناهم فکذبوا رسلی فکیف

کان نکیر.

آیه (۴) وان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک والی الله ترجع الامور.

آیه (۲۵) وان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینات و بالزبرو بالکتاب المنیر.

آیه (۴۲) واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءهم نذیر لیکونن اهدی من احدی الامم فلما جاءهم نذیر مازادوهم الا نفوراً.

در سوره سبا به ترتیب: ساعت قیامت، احیاء مجدد، وعده الهی، قرآن و کتب الهی دیگر، عذاب آتش، رسالت پیامبر تکذیب می گردد و در سوره فاطر منحصرأ رسالت پیامبر. بنابراین دامنه تکذیب در سوره سبا گسترده تر بوده همه چیز را کافران انکار می کنند.

د- خشیت و علم^۱

آیه (۶) و یری الذین اتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یرهدی الی صراط العزیز الحمید.

آیه (۱۸) ..انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و اقاموا الصلوة و من تزکی فانما یتزکی لنفسه والی الله المصیر.

آیه (۲۸) ... کذلک انما یخشی الله من عباده العلموا.

آیه (۵) یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوه الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور.

علاوه بر موضوعات فوق که اساسی ترین وجوه مشترک میان دو سوره بود، برخی وجوه دیگر نیز وجود دارد که تنها به شماره آیات و آدرس آنها اشاره می کنیم:

| | | |
|---------------------------|--------------------|--------------|
| ۱- جزای مومنین شایسته کار | سبا (۴) | فاطر (۵) |
| ۲- جزای کفار | » (۵) | » (۷) |
| ۳- شکر | » (۱۳ و ۱۵) | » (۱۲ و ۳۰) |
| ۴- شناخت دانشمندان | » (۶) | » (۲۸) |
| ۵- شرک | » (۲۲-۲۳-۲۷-۴۰-۴۱) | » (۱۳ و ۴۰) |
| ۶- عمل صالح | » (۳۷) | » (۷) |
| ۷- ابلیس | » (۲۰ و ۲۱) | » (۶) |
| ۸- رزق | » (۲۴ و ۳۶) | » (۳) |
| ۹- قیامت | » (۳۰ تا ۳۳) تا ۵۵ | » (۳۳ تا ۳۷) |
| | ۳۷ تا ۳۸ | ۴۰ تا ۴۲ |

۱. رابطه خشیت و علم را آیه ۲۸ سوره فاطر نشان می دهد... کذلک انما یخشی الله من عباده العلموا ان الله عزیز غفور.